

## تفسیر قرآن در دوره جدید و معاصر

نگارش: راترود ویلانت

مترجم: دکتر محمدجواد اسکندرلو

بررسی و نقد: دکتر حسین علوی مهر

عضو هیئت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی

### چکیده

اصل این مقاله در دائرة المعارف قرآن لایدن به چاپ رسیده است.

مؤلف این مقاله (راترود ویلانت) در رابطه با مشخصات و ابعاد تفسیر در دوران معاصر ویژگی‌های ذیل را به طور گذرا و مجمل مطرح می‌سازد از جمله: تفسیر ترتیبی به صورت سنتی، تفسیر طبق ترتیب نزول، توجه به ابعاد اجتماعی در تفاسیر، تفسیر اجزایی از قرآن، تفسیر ادبی، تفسیر موضوعی، توجه قرآن پژوهان معاصر به اصول و قواعد تفسیر، تفسیر عقلانی (تعقلی) و تفسیر علمی قرآن کریم. آنچه مؤلف از

آن غفلت ورزیده و در تفاسیر معاصر بدان توجه شده است، عبارت‌اند از: توجه به بعد هدایتی و تربیتی، جهادی، ابعاد سیاسی و حکومتی در تفسیر قرآن، وحدت موضوعی قرآن و سوره‌ها (تناسب آیات و سور) که در تفسیر ساختاری قرآن رخ نموده است. نقد در این مقاله به دو صورت انجام گرفته است یکی به صورت پانویس و دیگری به طور مستقل که در آخر مقاله می‌آید.

**واژگان کلیدی:** تفسیر قرآن، معاصر،

عقل‌گرایی، تفسیر علمی، تفسیر موضوعی،

تفسیر ساختاری، گرایش اجتماعی،

گرایش جهادی.

## ابجد و محدودیت‌های مربوط به تفسیر قرآن در عصر جدید

بررسی تفسیر قرآن در دوره جدید و معاصر به عنوان موضوعی مستقل، دربردارنده ویژگی‌هایی است که با توجه به آن‌ها روشن می‌گردد که تفسیر در این دوران نسبت به دوران گذشته، به گونه قابل توجهی متفاوت گشته است؛ البته فرض چنین ویژگی‌هایی هرگز بدین معنا نیست که تمام تلاش‌هایی که در کتب و مقالات از سوی مؤلفان مسلمان در اواخر قرن نوزدهم و در قرن بیستم در زمینه تفسیر آیات قرآن انجام گرفته، صحیح باشد و حتی در مواردی که صحت چنین فرضی را بپذیریم، مستلزم عدول کلی آنان از الگوها و رویکردهای سنتی (پیشینیان) نیست. (بنگرید به مدخل تفسیر قرآن در دوران باستان و قرون وسطی).

بسیاری از تفاسیر قرآن در این دوران، بندرت با تفاسیر سلف به لحاظ شیوه تفسیری و نیز توضیحات ارائه شده تفاوت دارند؛ [زیرا] اکثریت مؤلفان چنین تفاسیری از منابع سنتی همچون آثار زمخشری، فخرالدین رازی

و ابن کثیر استفاده فراوان برده‌اند، بی‌آنکه لزوماً مطلبی اساسی به تفاسیر موجود بیفزایند.<sup>۱</sup>

این نکته را باید به خاطر داشت که در تفسیر قرآن همیشه یک شیوه نقض‌ناشدنی تاکنون تداوم یافته است. در عین حال، در مواردی که هم اکنون ذکر می‌کنیم، توجه مفسران غالباً به سوی گرایش‌های ابداعی و نو بوده است.

اکثر رویکردهای جدید به تفسیر در کشورهای عرب و به ویژه مصر ظهور یافته است؛ از همین جهت، این قسمت از جهان اسلام را به طور گسترده‌تری بررسی خواهیم کرد.<sup>۲</sup>

عوامل نوآفرینی هم به محتوای تفاسیر مربوط می‌شود و هم به شیوه‌های آن‌ها. در باب محتوای آن‌ها می‌توان گفت افکار و نظریات جدید درباره معنای آیات قرآنی نوعاً در مقام پاسخ به سوالات جدیدی بیان شدند که ناشی از تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به وجود آمده، در جوامع اسلامی و متأثر از تمدن غرب مطرح گردیدند.

از میان همه این‌ها دو مسئله از اهمیت خاصی برخوردار بودند: [ابجد]

AND THE QURAN). آن دسته از رویکردهای روش شناختی که تاکنون ناشناخته مانده‌اند، ناشی از تحولات جدیدی هستند که در زمینه مطالعات ادبی و نظریهٔ ارتباطات مطرح شده‌اند؛ پاره‌ای از آن‌ها مربوط می‌شوند به ضرورت یافتن راه کارهای عملی و توجهات نظری برای طرد تفاسیر سنتی به نفع تفاسیر جدید که با اندیشه‌های معاصر قابل قبول‌تر باشد، بی‌آنکه اعتبار و حجیت متن قرآن نادیده گرفته شود. این نوع رویکردها معمولاً مبتنی بر برداشت جدیدی از ماهیت وحی الهی و شیوه عمل به آن انجام گرفت.

#### انواع نشر تفاسیر قرآنی و شیوه‌های تفسیری

بیشتر تفاسیر از شیوه تفسیر ترتیبی پیروی می‌کنند و در اکثر موارد از نخستین سورهٔ قرآن شروع شده و بدون هیچ گونه گسستگی به تفسیر همه آیات پرداخته تا به آخرین سوره می‌رسند.<sup>۴</sup> یک استثنا در این میان به چشم می‌خورد و آن تفسیر عالم فلسطینی محمد عزة دروزه تحت عنوان *التفسیر الحديث*

توافق بین دیدگاه فراگیر قرآن با یافته‌های دانش جدید (ر.ک: *علم و قرآن*: SCIENCE AND THE QURAN) و دیگر، نظام سیاسی و اجتماعی که مبتنی بر اصول قرآنی باشد (بنگرید به سیاست و قرآن<sup>۲</sup>. POLITICS AND THE QURAN). تا مسلمانان را قادر سازد که از یوغ سلطهٔ غرب بیرون روند. برای برآورده ساختن این هدف، لازم بود پیام قرآن به گونه‌ای تفسیر گردد که یا از همان الگوهای جهان غرب به شکل موفقیت‌آمیزی بهره‌برداری شود و یا آنکه به الگوهای جایگزینی معتقد شوند که برتر از آن‌ها باشند. یکی از مسائلی که می‌بایست در این چهارچوب [طرح] مورد ملاحظه قرار می‌گرفت، این پرسش بود که قیود و شرایطی که قرآن در رابطه با موقعیت فقهی [و حقوقی] زن مطرح کرده است، چگونه می‌تواند در پرتو اهداف و آرمان‌های جدید در راستای حقوق مساوی زن و مرد توجیه گردد؟ (ر.ک: *فیمینیسیم، جنس، زن و قرآن*: FEMINISM; GENDER; WOMEN

می‌باشد<sup>۵</sup> که مبتنی بر ترتیب نزول سوره‌هاست. برخی تفاسیر ترتیبی محدود به اجزای بزرگ‌تر قرآن است (مانند تفسیر محمد عبده که فقط جزء «عم» را تفسیر نموده است). بعضی از آن‌ها فقط به تفسیر یک سوره پرداخته‌اند (مانند تفسیر *سوره فاتحه* از محمد عبده ۱۳۱۹) و پاره‌ای از آن‌ها به تفسیر گزیده‌هایی از سوره‌ها اکتفا کرده‌اند (مانند تفسیر عایشه عبدالرحمن، تحت عنوان *التفسیر البیانی*). آن شیوه‌ستی که گاهی فقط به تفسیر آیات دشوار هر سوره می‌پرداختند، همچنان ادامه دارد (مانند *تفسیر مشکل القرآن* از رشید عبدالله فرهان). در حالی که بیشتر تفاسیر به منظور استفاده عالمان دینی تألیف یافته‌اند، برخی از آن‌ها آشکارا نیاز عمومی را در نظر گرفته‌اند؛ برای مثال کتاب *تفهیم القرآن* از مودودی (م ۱۹۷۹) تفسیری است که برای مسلمانان هندی با معلوماتی خاص که فاقد دانش عربی یا تخصص در علوم قرآن هستند، نوشته شده است. در چند دهه اخیر قرن بیستم تعداد تفاسیری که فرازهای محوری قرآن را دسته‌بندی کرده و به تفسیر آیات

مربوط به موضوعاتی خاص پرداخته‌اند، رو به افزایش است و هدف آنان ارائه تفسیر موضوعی است.<sup>۶</sup> البته افکار و نظریات مطرح شده در هر یک از آن‌ها برحسب نویسنده، با تفسیر نویسنده دیگر متفاوت است، و بعضی از تفاسیر همچون تفسیر محمود شلتوت تحت عنوان *تفسیر القرآن الکریم* که ده جزء قرآن را تفسیر نموده، شیوه‌ای میانه را بین رویکردهای ترتیبی و موضوعی اتخاذ نموده و نسبت به عقاید و افکار کلیدی، تمرکز و توجه بیشتری به خرج داده است.

پاره‌ای از تفاسیر موضوعی به صورت رساله‌ها یا مقالاتی در مقام پاسخ‌گویی به سؤالات یا شبهات کلامی برآمده‌اند؛ مانند *خدای عادل* از دثود رهبر و یا آنکه از سطح دانشی و فرهنگی کم‌تری برخوردارند؛ مانند مقال فی الانسان از عبدالرحمن.

برخی از مجموعه سخنرانی‌ها که چندان رابطه‌ای با تفسیری قوی از قرآن ندارند، به عنوان آثاری تفسیری به چاپ رسیده‌اند، در حالی که آن سخنرانی‌ها به عنوان تفسیر قرآن ارائه نشده‌اند.

همچنین مباحثی درباره شیوه‌های صحیح تفسیر در آغاز بسیاری از تفاسیر یافت می‌شود. نمونه بارز آن را می‌توان در مقدمه تفسیر *سوره فاتحه* از محمد عبده (و در واقع محمد رشید رضا به نقل از محمد عبده) مشاهده کرد.

از سوی آقای سعید احمد خان نیز مقاله کوچک مستقلی درباره اصول تفسیر با عنوان *تحریر فی اصول التفسیر* ارائه شده که به زبان اردو در سال ۱۸۹۲ (در آگرا) چاپ شده است.<sup>۶</sup>

### گرایش‌های اصلی نسبت به شیوه‌های تفسیری و مدافعان آنها

#### ۱. تفسیر عقلانی [عقلی]

نخستین ابتکار مهم در شیوه‌های تفسیری که از سالیان (قرون) متمادی گذشته اعمال شده است، توسط دو تن از مدافعان معروف اصلاح‌گرایی اسلامی یعنی سید احمد خان هندی (م ۱۸۹۸) و محمد عبده مصری (م ۱۹۰۵) آغاز گردید.

هر دوی آنها تحت تأثیر سلطه سیاسی و اقتصادی تمدن جدید غرب در عصر استعمار قرار گرفته و پیدایش تمدن را به دستاوردهای علمی اروپائیان

و رونق فلسفه روشنفکری منسوب نمودند. بر همین اساس بود که آنها رویکردی عقلی به تفسیر قرآن پیدا کردند و هر چند مستقل از یکدیگر و با دیدگاه‌های مختلفی عمل می‌کردند، اما سرانجام به نتایج مشابهی دست یافتند. هر دو بر این باور بودند که می‌توان مسلمانان را در همه جای جهان نسبت به بهره‌برداری از مزایا و نعمت‌های تمدن نیرومند جهان معاصر توانا ساخت. از دیدگاه سید احمد خان در دین اسلام هیچ گونه منع و نهی‌ای از همکاری مسلمانان هند و روابط صلح‌آمیز با بریتانیا در زمینه‌های مختلف وجود ندارد. او تلاش نمود اثبات کند که هیچ گونه تضاد و تعارضی بین علوم طبیعی جدید و کتاب مقدس مسلمانان نمی‌توان یافت.<sup>۷</sup> (به منظور پی بردن به اصول اساسی تفسیر او ر.ک: کتاب *Troll* نوشته سید احمد خان، ص ۱۷۰ - ۱۴۴).

اگر برخی مسلمانان اعتقادی غیر از این داشته باشند، بدین معنا نیست که آن اعتقاد از قرآن سرچشمه گرفته باشد، بلکه ناشی از روش‌های سنتی نادرست

تفسیری بوده است، و در پاره‌ای از موارد که به نظر می‌رسد مدعیات قرآنی با علوم جدید ناسازگار می‌باشد، به خاطر استعاری بودن سخن قرآن در این گونه موارد است؛ لذا نیاز به تأویل دارد.

نتیجه علمی شیوه تفسیری سید احمد خان بر مبنای این گونه اصول چنین شد که وقایع معجزه‌ای و نیز تمام انواع پدیده‌های خارق العاده را که با دیدگاه‌های علمی ناسازگارند، تا آن‌جا که ممکن است از حوزه درک و فهم خود از قرآن به طور کلی بیرون ببرد، و در برخی موارد گفته است این‌گونه امور توجیه مادی داشته‌اند، لیکن از حوزه فهم و قدرت درک عرب‌های قدیم به دور بوده است؛ برای مثال، مسئله معراج پیامبر را چنین توجیه می‌کند که چنین چیزی فقط در رؤیا صورت گرفته است، و یا «جن» در نظر او به افرادی بدوی و غیرمتمدن تفسیر شده که در جنگل‌ها می‌زیستند.

اما شیوه تفکر محمد عبده بازمی‌گردد به فلسفه مرحله اخیر روشنفکری اروپایی درباره این‌که پیام ادیان آسمانی در راستای هدایت بشر در

طول تاریخ براساس رشد علمی و فکری بوده است.

از نظر او مسلمانان در این عصر می‌توانند در پیشرفت تمدن معاصر سهیم بوده و حتی نقش پیشرو داشته باشند؛ زیرا اسلام دین خرد و ترقی است و قرآن بدین منظور نازل شده که اذهان بشر را در زمینه سعادت دنیوی و اخروی به سمت و سوی تأملات عقلانی سوق دهد. او معتقد است که نه تنها قرآن قوانین طبیعی را تأیید می‌کند بلکه به مسلمانان اطلاعاتی در این زمینه می‌دهد، به گونه‌ای که منشأ تحول در تاریخ ملل و جوامع بشری می‌گردد؛ لذا تفاسیر قرآنی باید به گونه‌ای باشند که بتوانند این هدایت الهی را عملی سازند.

ویژگی‌های تفسیری محمد عبده به نحو بسیار واضحی در تفسیر *المنازل* منعکس گردیده است.

نویسنده دیگر مصری، محمد ابوزید است که در سال ۱۹۳۰ تفسیری با رویکرد تعقلی و مبتنی بر روشنفکری اروپایی نوشت. کتاب او تحت عنوان *الهدایة و العرفان فی تفسیر القرآن بالقرآن*

نام گرفت که در میان جامعه موجب پیدایش آشوب و جنجال گردید و سرانجام توسط مسئولان دانشگاه الأزهر توقیف شد و در یک گزارش رسمی محکوم گردید (ر.ک: کتاب مصر نوشته جانسن ص ۸۹ - ۸۸) او معتقد است که راه اجتهاد نسبت به تمام اصول و هنجارهای سنتی فقه اسلامی کاملاً باز و مجاز است و نیز بر همین اساس به توجیه معجزاتی که در قصص قرآنی راجع به انبیا مطرح شده است، می‌پردازد.

از جمله تفاسیری که دارای شیوه عقلی بوده و بر مبنای تفکرات سید احمد خان و محمد عبده، قلم‌فرسایی کرده‌اند، عبارت‌اند از: تفسیر ترجمان القرآن (چاپ ۱۹۳۰) به قلم نویسنده هندی ابوکلام آزاد و مجالس التذکیر (چاپ ۳۰ - ۱۹۲۹) نوشته رهبر اصلاح‌گرایان آلجری به نام عبدالحمید بن بادیس.

## ۲. شیوه معروف به تفسیر علمی قرآن

تفسیر علمی باید در پرتو این فرض درک شود که تمام انواع یافته‌های [دستاوردهای] علوم طبیعی جدید در

قرآن پیش‌بینی شده است و این‌که قرائن و شواهد روشن زیادی نسبت به آن‌ها در آیات قرآن می‌توان کشف نمود. یافته‌های علمی از گیاه‌شناسی کوپرنیکی گرفته تا خواص الکتروسیته، و از نظم و ترتیب انفعالات شیمیایی تا عوامل امراض عفونتی، همه از پیش در قرآن مورد تأیید قرار گرفته است. براساس این شیوه آنچه را در شرایط عادی [با نگرشی سطحی] نمی‌توان از قرآن فهمید، با دقت و استنباط عمیق در آیات قرآن می‌توان به دست آورد.<sup>۹</sup>

غالباً در زمینه‌های پزشکی، داروسازی و حتی علوم کشاورزی، مفسران علمی متعددی وجود دارند که در بسیاری از موارد نمی‌توان به آن تعداد، متکلمان حرفه‌ای را مشاهده کرد. این نوع تفسیر، در میان تفاسیر قرآنی عالمان دینی نیز راه یافته است.

قابل ذکر است که تفاسیر محمد عبده خالی از تلاش‌هایی به منظور استنباط اکتشافات علمی از قرآن نیست؛ برای مثال، او درباره موضوع «جن» که در قرآن ذکر گردیده است، می‌گوید: احتمالاً مراد همان چیزی است که

امروزه تحت عنوان «میکرب‌ها» مطرح شده است. او همچنین درباره «آبایل» که سنگ‌هایی را بر سر اصحاب فیل فرود آوردند، اظهار می‌دارد که آن‌ها گروهی از پرندگان بوده‌اند که پاهایشان آلوده به نوعی مرض کشنده بوده است. (تفسیر جزء «عم» ص ۱۵۸). البته گرایش و ارتباط عبده با چنین تفاسیری به میزان غلظه و رابطه حامیان تفسیر علمی در این موضوعات نیست. او می‌خواست برای مخاطبان عمومی خود اثبات کند که آیات قرآن در این مسئله با معیارها و دلایل علمی جدید در تضاد و تعارض نمی‌باشد. در حالی که هواداران تفسیر علمی درصدد اثبات این معنا هستند که قرآن چندین قرن نسبت به عالمان جهان غرب تقدم دارد؛ زیرا مطالبی را در آن زمان متذکر شده که [پس از گذشت چند قرن] تازه عالمان غربی آن‌ها را کشف می‌نمایند.

اکثر شیفتگان تفسیر علمی این برتری زمانی قرآن در زمینه معرفت علمی را به عنوان نمونه بارزی از اعجاز قرآن تلقی کرده و همواره در براهین و مجادلات علمی خود در برابر غرب بر

این بُعد اعجازی و تقلیدناپذیری قرآن تأکید می‌ورزند.

نمونه اساسی تفسیر علمی، کاملاً جدید نبوده بلکه در آثار مفسران سلف به ویژه فخرالدین رازی نیز یافت می‌شود. فخررازی این ایده را مطرح کرده که قرآن مشتمل بر تمامی علوم است؛<sup>۱</sup> در نتیجه، آن مفسران سعی کرده بودند تا دانش اخترشناسی زمان خود را با آیات قرآنی تطبیق دهند. تلاش‌هایی از این دست توسط محمود شهاب الدین آلوسی (م ۱۸۵۶) در تفسیر *روح المعانی* نیز انجام گرفته است.

نخستین نویسنده‌ای که به خاطر اقدام به تفسیر علمی به مفهوم جدید آن یعنی یافتن قرائن و شواهدی در قرآن برای تأیید پیشرفت‌ها و اکتشافات علمی جدید، کسب شهرت و اعتبار نمود، پزشکی به نام محمد بن احمد الاسکندرانی بود که یکی از دو کتاب معروفش با عنوان *کشف الأسرار النورانية القرآنية فی ما تعلقت بالأجرام السماویة و الأرضیة و الحيوانات و النباتات و الجواهر المعدنیة* در حدود سال ۱۸۸۰ به چاپ رسید.



معروف‌ترین تفسیری که در اوایل قرن بیستم معرفی تفسیر علمی است، *الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم* از شیخ طنطاوی جواهری مصری (م ۱۹۲۲) است. این اثر در واقع دائرة المعارفی است که به بررسی علوم جدید و یا مطالب متنوعی از جمله اصول و شیوه‌های «علم تحضیر الأرواح» می‌پردازد.

از دیگر مؤلفاتی که در زمینه تفسیر علمی قرآن قلم‌فرسایی کرده‌اند، می‌توان از نوشته عبدالعزیز اسماعیل *الاسلام والطب الحدیث* چاپ ۱۹۳۸ در قاهره (که در ۱۹۵۷ بار دیگر چاپ شده است) و کتاب *معجزات القرآن فی وصف الکائنات*، (چاپ ۱۹۵۴ در قاهره) از حنفی احمد و کتاب *القرآن و العلم الحدیث* چاپ ۱۹۵۹ در قاهره از عبدالرزاق نوفل نام برد.

شیوه تفسیر علمی در میان مفسرانی که تفسیر قرآن نوشته‌اند یا به بحث و بررسی مناہج تفسیری پرداخته‌اند، توانست تأیید و موافقت عمومی را برای خود کسب کند و عالمان زیادی به ویژه امین الخولی و محمد رشید رضا به نقد

و اعتراضاتی نسبت به آن پرداختند. مهم‌ترین اعتراضات و اشکالات وارده در این زمینه بدین قرار است:

یک - چنین شیوه‌ای، از دیدگاه لغت‌شناسی، فاقد اعتبار است؛ چرا که به شکل نادرستی، مفاهیم جدید را به واژگان قرآنی نسبت می‌دهد.

دو - این شیوه مسئله سیاق کلمات یا عبارات را در قرآن و نیز اسباب نزول را نادیده گرفته است.

سه - واژگان قرآن هنگامی که نازل شد، لازم بود مطابق با زبان درک عرب باستان باشد.

چهار - طرفداران تفسیر علمی از این واقعیت غافل بوده‌اند که نظریات علمی همیشه ناقص بوده و اعتماد به این‌گونه نظریات در واقع ممکن است از اعتبار آیات قرآن در زمانی خاص بکاهد.

پنج - مهم‌تر از همه این‌که اساساً قرآن کتابی علمی نبوده بلکه کتابی است دینی که به منظور هدایت اخلاقی و اعتقادی بشریت نازل گردیده است.<sup>۱۱</sup>

به رغم تمام این اعتراضات، باز هم برخی نویسندگان معتقدند که شیوه تفسیر علمی باید تداوم یابد، به ویژه

برای کسانی که قدرت درک اعجاز بیانی و ادبی قرآن را ندارند و از این طریق می‌توانند به اعجاز علمی قرآن پی ببرند.

### ۳. شیوه تفسیر ادبی

استفاده از مطالعات و بررسی‌های ادبی در تفسیر قرآن عمدتاً به وسیله امین الخولوی<sup>۱۲</sup> (م. ۱۹۶۷) استاد زبان و ادبیات عرب در دانشگاه مصر، ابداع گردید. او خودش تفسیر قرآن نوشت لیکن بخش قابل توجهی از سخنرانی‌های خود را به بررسی مسایل تفسیری و تاریخ و بیان ویژگی‌های روش‌شناسی تفاسیر منتشر شده پیش از سال ۱۹۴۰ پرداخت.

از نظر امین الخولوی قرآن بزرگ‌ترین کتاب زبان عربی است و در این زمینه اثری با عنوان *کتاب العربیة الأكبر و آثار الأدبیة الأعظم* تألیف کرده است. (ر.ک: *مناهیج تجدید*، ص ۳۰۳).

او معتقد است که در بررسی شیوه تفسیر ادبی قرآن دو گام اساسی باید برداشته شود:

الف - در نظر گرفتن زمینه تاریخی و فضای نزول قرآن، مطالعه آداب و سنن دینی و فرهنگی و موقعیت اجتماعی

عرب آن زمان که مورد خطاب قرآن قرار گرفتند،<sup>۱۳</sup> زبان و دستاوردهای ادبی پیشین و اسباب النزول.

ب - مفسر قرآن باید در برابر یکایک کلمات و عبارات قرآنی، خود را به جای عرب عصر نزول فرض کند و با دقت ببیند که از آن‌ها چه برداشتی می‌نماید.

تعدادی از شاگردان او از جمله همسرش عایشه عبدالرحمن بنت الشاطی به بحث و بررسی شیوه تفسیر ادبی ادامه دادند. یکی دیگر از شاگردانش به نام «خلف الله» اظهار می‌دارد که بارزترین مصداق هنر نمایی ادبی را می‌توان در قصص قرآنی یافت که تأثیرات عمیق روحی و عاطفی بر مخاطبان خود ایجاد می‌نماید.

برخی دیگر از عالمان مصری که البته از شاگردان مکتب ادبی امین الخولوی به شمار نمی‌آیند، در این زمینه اقداماتی انجام داده‌اند.

ج. تلاش‌هایی به منظور ایجاد نظریه‌ای جدید در باب تفسیر که بیانگر نقل و گزارشی کامل از جنبه تاریخی قرآن باشد. [شیوه تفسیر تاریخی با تکیه بر اسباب نزول و زمینه‌های تاریخی]: مکتب تفسیری امین الخولوی بر این تأکید

داشت که مفاهیم قرآنی باید با ملاحظه زمان پیامبر و با نگرش به قرآن به عنوان متنی ادبی تفسیر گردد. از اواخر سال ۱۹۵۰ چند تن از عالمان به این باور رسیده‌اند که متن قرآن به شکل جامع‌تر [و فراگیرتری] وابسته به تاریخ است<sup>۱۴</sup> و این واقعیت، ایجاد تحولی بنیادین را در شیوه‌های تفسیری ضروری می‌سازد.

یکی از این عالمان، شخصی پاکستانی است به نام محمد دثود رهبر وی در ضمن مقاله‌ای در ژانویه سال ۱۹۵۸ در انجمن اسلامی بین‌المللی در لاهور قرائت گردید، بر این نکته تأکید ورزید که سخن جاویدان خداوند که در قرآن ارایه شده است، نه تنها مخاطبان آن، معاصران محمد بودند بلکه همان سخنان به مردم این زمان نیز خطاب شده است و این کتاب با توجه به شرایط همه انسان‌ها و نیز وقایع اتفاق افتاده در مدت ۲۳ سال اواخر عمر پیامبر، با مردم سخن می‌گوید؛ چرا که هیچ پیامی نمی‌تواند به سوی بشریت نازل گردد جز آنکه توأم با ذکر شرایط عینی و مشهود باشد. رهبر خطاب به مفسران مسلمان، مفهوم این سخن را در

ارتباط با شیوه‌های تفسیری قرآن توضیح می‌دهد. او در این طرح اهمیت فوق العاده‌ای برای مسئله اسباب نزول و پدیده نسخ آیات الاحکام اولیه توسط آیات بعدی (الناسخ و المنسوخ) در قرآن قایل شده است. او اظهار امیدواری می‌کند که همه مفسران با در نظر گرفتن شرایط و فضای تاریخی که قرآن در آن نازل گردید، به تفسیر آن پردازند. فضل الرحمن - عالم دیگر پاکستانی - برای تأویل و تفسیر دقیق آیات مشکل قرآن راه حلی که ارایه می‌دهد این است که مفسر باید شرایط تاریخی دوران رسالت پیامبر را بررسی کند، آنگاه پس از دریافت مفاهیم قرآنی آن را به مؤمنان امروزه انتقال دهد.

#### ۵. جستجوی رهیافتی مستقیم به مفاهیم قرآنی

تمام شیوه‌های مذکور حتی شیوه علمی، دارای این نقیصه هستند که با حالت گسستگی از درک و نوع اعتقاد مسلمانان صدر اسلام [عصر نزول] به تفسیر قرآن می‌پردازند، در حالی که روش صحیح آن است که مفسر شرایط و اوضاع نابسامان جامعه آن روز را در نظر بگیرد و ببیند قرآن برای اصلاح آن

چه راه حلی ارائه داده است و سپس همان واکنش‌های قرآنی را با انطباق بر شرایط و نابسامانی‌های جامعه کنونی اعمال نماید. چنین شیوه‌ای را می‌توان در تفسیر سید قطب *فی ظلال القرآن* و در تفسیر مودودی *تفهیم القرآن* و تفسیر سعید حوّا *الأساس فی التفسیر* مشاهده کرد.<sup>۱۵</sup>

#### ۶. برداشت‌هایی مرتبط با تفسیر موضوعی قرآن

دو مزیت در مقام دفاع از تفسیر موضوعی می‌توان ذکر نمود: اولاً: این شیوه، مفسر را قادر می‌سازد که مفهوم متعادل جامعی را از آنچه خداوند پیرامون موضوعی در قرآن بحث کرده، به دست آورد و ثانیاً: به مفسر اجازه می‌دهد پرسش‌های خود را در ارتباط با موضوع مطرح کند و تحقیق خود را ابتدا از یافتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌هایش آغاز نماید. (پایان متن مقاله راترود ویلانت).

#### نقد و بررسی:

مقاله راترود ویلانت دارای دو جنبه است یکی جنبه مثبت آن که به نکات

مهمی از جمله تفسیر علمی و علم‌گرایی در تفاسیر معاصر، تفسیر ترتیبی، موضوعی، تفسیر عقلانی، تفسیر ادبی پرداخته است و جنبه دیگر که قابل نقد و بررسی است ناقص بودن برخی مطالب و بی‌توجهی به موضوعاتی همچون توجه به بعد هدایتی، پاسخگویی به شبهات عصر حاضر، تأکید بر وحدت موضوعی و مانند آن است که در تفاسیر معاصر بدان توجه شایان شده است. برخی از موارد نقد در پاورقی‌ها بدان اشاره شد اما در ادامه، ویژگی‌های دیگر در تفاسیر معاصر که مؤلف بدان اشاره نکرده است، مطرح می‌شود.

#### ویژگی‌های تفسیر در دوران معاصر

این عصر شاهد پیشرفت علوم طبیعی و انسانی، وجود بحران‌های معنوی، حضور دانشمندان مادی و تهاجم گسترده استعمارگران علیه مسلمانان بوده است.

این مسائل و عوامل دیگر در تفاسیر این عصر موثر بوده، و موجب پیدایش برخی رویکردها و ویژگی‌های تفسیری شده است که نویسنده مقاله به برخی از

آنها اشاره نکرد، مهم‌ترین ویژگی‌های تفسیر عصری عبارت‌اند از:

#### ۱. پاسخ‌گویی به مسائل و شبهات جدید

آنچه در تفسیر عصری اولویت دارد، طرح شفاف و روشن دیدگاه قرآن دربارهٔ تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی و پاسخ روز آمد به مسائل و شبهات عصری است. مسائلی همچون حقوق بشر، آزادی اندیشه و بیان، حقوق زن و فمینیسم، رابطه دین و حکومت با طرح سکولاریسم، حقوق اقلیت‌ها، روابط بین الملل و... نیازمند به پاسخ و باز اندیشی است که مفسران قرآن می‌توانند نقش مهمی را در این زمینه ایفا کنند و در جایگاه مراجع فکری و دینی جوامع با توجه به توانایی و ایمان لازم، دیدگاه قرآن را در مسایل فوق به خوبی روشن کنند. از میان تفاسیر شیعی که به پاسخ‌گویی مسائل و شبهات عصری پرداخته‌اند، می‌توان *تفسیر المیزان* از علامه طباطبایی، *تفسیر نمونه* از آیت الله مکارم شیرازی، *الکاشف* از محمدجواد مغنیه و تا حدودی *تفسیر الفرقان* از دکتر صادقی را نام برد. از اهل سنت نیز *تفسیر المنیر* از وهبه زحیلی، *تفسیر*

*شعراوی* از محمد متولی شعراوی و *تفسیر الحدیث* از عزت دروزه قابل ذکر است.

#### ۲. عقل‌گرایی در تفسیر

از مهم‌ترین نکات تفسیری در قرن پانزده توجه به عقل و عقل‌گرایی است. در این که منظور از عقل‌گرایی در تفسیر چیست، دیدگاه‌های مختلف ارائه شده است.

**الف - عقل برهانی:** بدین معنا که مطالب دینی با رویکرد اثباتی بر اساس دلایل عقلی و منطقی مطرح می‌شود. آیه الله جوادی می‌نویسد: منظور از عقل در اینجا «عقل برهانی» است که از مغالطه و وهم و تخیل محفوظ باشد؛ یعنی عقلی که با اصول و علوم متعارف خویش اصل وجود مبدأ جهان و صفات و اسمای او را ثابت کرده است.<sup>۱۶</sup>

*تفسیر تسنیم* اثر عبدالله جوادی و *المیزان* از علامه طباطبایی و *التنوير* از ابن عاشور و *تفسیر القرآن الکریم*، ملاحظراً از تفاسیر با رویکرد عقلی است.

**ب - عقل فطری:** ناصر مکارم شیرازی می‌نویسد:

منظور از تفسیر به عقل آن است که ما از قراین روشن عقلی که مورد قبول همه خردمندان برای فهم معانی الفاظ و جمله‌ها از جمله قرآن و حدیث است، استمداد جوییم؛ برای مثال، هنگامی که گفته می‌شود «یدالله فوق ایدیهم»<sup>۱۷</sup> دست خدا بالای دست‌های آنهاست، عقل در اینجا می‌گوید: مسلماً منظور از دست خدا عضو خاصی که دارای پنج انگشت است، نیست؛ زیرا خدا اصولاً جسم نیست... بلکه منظور از آن قدرت خداست که مافوق همه‌ی قدرت‌هاست،<sup>۱۸</sup> و به همین دلیل است که مفسران در عصر حاضر بسیاری از مسائل کلامی و فلسفی (مانند بحث جبر) را که محکوم عقل است، مردود می‌دانند حتی مفسران عصری اهل سنت از جمله شعراوی، مراغی، وهبه زحیلی و... با این که اشعری مسلک هستند، اما برداشت جبر را از آیات قرآن مردود می‌شمارند.

تفسیر القرآن و العقل از سید نورالدین حسینی عراقی، و تفسیر المنار از نمونه‌های این رویکرد است.

### ۳. توجه به بعد هدایتی و تربیتی قرآن

قرآن کریم کتاب هدایت است: «هُدًى لِلنَّاسِ»<sup>۱۹</sup> و پایدارترین راه هدایت انسان

را بیان کرده است.<sup>۲۰</sup> هدف خداوند نیز در این کتاب، هدایت، تربیت و سعادت ابدی انسان است.

مفسر نیز باید بکوشد هدف الهی را تأمین کرده و انسان‌ها را - به ویژه انسان معاصر را - از بحران‌ها و دردهای معنوی برهاند. این مهم در صورتی محقق می‌شود که تفسیر، هدایت‌کننده و تربیت‌کننده باشد. در هر حال این وظیفه اساسی هر مفسر است.

در میان تفاسیر گذشته شاید بتوان توجه به بعد هدایتی و تربیتی را در تفاسیر اشاری و عرفانی جستجو کرد؛ اما در عصر حاضر به علت گسترش بحران‌های انسان و جامعه موجود، غالب مفسران به این مسئله اهمیت داده و تمام تلاش خود را به هدایت جامعه و تذکرات برگرفته از قرآن کریم برای تربیت آن به کار می‌برند. در این جهت می‌توان از تفاسیر شیعه به تفسیر المیزان، نمونه، من هدی القرآن و ترجمه فارسی آن با نام تفسیر هدایت از سید محمدتقی مدرس‌ی، تفسیر روشن از حسن مصطفوی، تفسیر آسان از محمد جواد نجفی و جز این‌ها اشارت کرد. و از اهل

سنت تفسیر المنیر از وهبه زحیلی، تفسیر شعرایی، تفسیر ایسرالتفاسیر از ابوبکر جزایری، زهرة التفاسیر از محمد ابوزهرة و... را می‌توان نام برد.

#### ۴. گرایش اجتماعی در تفسیر

یکی از ویژگی‌های تفسیر عصری حاضر که از قرن چهاردهم آغاز شده است، تفسیر قرآن کریم با دید نیازهای اجتماعی است که مفسر به نقل مطالب سلف که تنها متکی به روایات و اقوال صحابه و تابعان و لغت می‌باشد، اکتفا نمی‌کند، بلکه بر اساس نیازهای جامعه معاصر خود مباحث مورد نیاز را مطرح و با استفاده از آموزه‌های قرآن به حل مشکلات اجتماعی عصر خود می‌پردازد و دین را به شکل جدیدی متناسب با زمان ارائه می‌دهد.

مطالب تفسیر این نوع گرایش، برگرفته از قرآن با شیوه‌ای جذاب است تا مردم و جوانان را به سوی قرآن سوق داده، دانش‌های موجود و نیز سنت‌های اجتماعی را با قرآن تطبیق کند.

امتیاز این گرایش آن است که مفسر خود را از مسائل خرافی، اوهام و افکار دور از ذهن مردم کنار می‌گذارد و

دیدگاه‌های معقول را در میان مردم رواج می‌دهد و اعجاز‌هایی نیز (مانند اعجاز علمی) برای قرآن اثبات و ثابت می‌کند که قرآن برای هر زمانی کارساز و راهگشای سعادت انسان است. در این گرایش مفسرانی می‌توانند قدم گذارند که در برابر سنت گرایان و سنت‌های موجود، تحول‌گرا باشند.<sup>۲۱</sup>

تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب و تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و تفسیر من وحی القرآن، علامه فضل الله از این گونه تفسیر به شمار می‌آیند.

#### ۵. گرایش جهادی در تفسیر

بر اساس نهضت‌هایی که در این قرن پدید آمده است؛ از جمله انقلاب جمهوری اسلامی ایران و قیام‌های دیگر در کشورهای مختلف اسلامی و همچنین تهاجم استعمار و صهیونیست علیه مسلمانان در خاورمیانه، دانشمندان اسلامی به ویژه مفسران به بعد جهادی آیات قرآن توجه خاصی کرده‌اند؛ مثلاً افرادی مانند علامه محمد جواد مغنیه در تفسیر الکاشف و المبین بسیاری از آیات جهاد را با مبارزه علیه صهیونیست‌ها و استعمارگران امروز منطبق می‌دانند.

## ۶. تفسیر موضوعی

از ویژگی‌های تفسیر در عصر حاضر گسترش دامنه تفسیر موضوعی است. تفسیر موضوعی در متون سلف، سابقه‌ای دیرینه داشته و به زمان تألیف کتاب‌های «آیات الاحکام» یعنی قرن دوم هجری می‌رسد؛ مانند احکام القرآن تألیف محمد بن سائب کلبی، (متوفای ۱۴۶ ق). در هر صورت شهید محمدباقر صدر بر آن است که تفسیر موضوعی برتر از تفسیر ترتیبی است چرا که می‌توان براساس آن دیدگاه جامع قرآن را در یک موضوع جستجو نموده و به نیازهای عصر پاسخ گفت و به همین جهت سنت‌های تاریخی و اجتماعی در قرآن کریم را ارائه می‌دهد. می‌توان کتب ذیل را معروف‌ترین تفاسیر موضوعی دانست:

پیام قرآن، در ده جلد، تألیف ناصر مکارم شیرازی و همکاران؛

منشور جاوید قرآن، در دوازده جلد،

تألیف آیت‌الله جعفر سبحانی؛

تفسیر موضوعی قرآن مجید، در

چهارده جلد، تألیف عبدالله جوادی آملی؛

معارف قرآن، در سه جلد، تألیف

محمدتقی مصباح یزدی.

تفسیر الموضوعی للقرآن الکریم، در

دوازده جلد، تألیف سمیع عاطف الزین.

سنت‌های تاریخی و اجتماعی در

قرآن کریم، تألیف شهید صدر

## ۷. تفسیر ساختاری قرآن کریم

از ویژگی‌های تفسیر عصری توجه مفسر به وحدت موضوعی قرآن کریم، وحدت موضوعی سوره‌های قرآن، ارتباط سوره‌ها و آیات، هدفدار بودن هر سوره از قرآن کریم و تقسیم‌بندی هر سوره به بخش‌های مختلف است.

این مباحث در عصر حاضر شیوه‌ای جدید در تفسیر، مطرح شده است، به این صورت که با بررسی مجموعه‌ای از آیات قرآن روشن می‌شود آیات مرتبط با هم دارای یک عنصر مشترک هستند که محور اصلی بحث را تشکیل می‌دهد.

این نوع برداشت از قرآن در میان پیشینیان به صورت بسیار جزئی موجود بوده، ولی در عصر حاضر به صورت مستقل با عنوان «تفسیر ساختاری قرآن کریم» مطرح است. این نوع تفسیر نه تفسیر موضوعی است که مفسر با



استفاده از آموزه‌ها و آیات مختلف قرآن در جستجوی یک موضوع خاص باشد، و نه تفسیر ترتیبی است که از آغاز قرآن یا یک سوره را، به ترتیب آیات تفسیر کند.

دکتر محمود بستانی به این شیوه در تفسیر با عنوان «المنهج البنائی فی التفسیر» پرداخته و تفسیری را در پنج جلد با عنوان *التفسیر البنائی للقرآن الکریم* به رشته تحریر در آورده است.

شاید در یک تعریف ساده بتوان گفت: تفسیر بنایی، سیر در متن قرآن در ضمن سوره و به دست آوردن یک هدف بر اساس بنای خاص لغوی است که در ارتباط بین نص آیات و موضوعات و عناصر آن شکل می‌گیرد.

بر این اساس، یک سوره از قرآن یک نص مرتبط با هم است که مقاطع، موضوعات، عناصر و ادوات آن با هم ارتباط کامل و هماهنگ دارند.<sup>۲۲</sup>

مفهوم النص: دراسة فی علوم القرآن از

نصر حامد ابوزید، بیروت: ۱۹۹۰.

Hanafi Ahmad, Mujizat al – Quran fi

Wasf al – kainat, cairo ۱۹۵۴.

معجزة القرآن فی وصف الکائنات از

حنفی احمد، قاهره: ۱۹۵۴.

Muhammad Akbar, The meaning of the Quran, Lahore ۱۹۶۷.

معنای قرآن از محمد اکبر لاهور: ۱۹۶۷.

Abu ۱ – Al Ma Wdudi, Tafhim al

– Quran (in urdu), ۶ Vols., Lahore

۱۹۷۲.

تفہیم القرآن (به زبان اردو) ۶ جلد از

ابوالعلا مودودی، لاهور: ۱۹۷۲.

Rotraud Wielandt, Exegesis of the Quran: Early Modern and

Contemporary, in Encyclopaedia of the Quran, ed. Jane Dammen McAuliffe, General Editor, V: ۲, PP.

۱۲۴ – ۱۴۱.

## Bibliography: منابع متن اصلی

### Primary: [اھم] منابع اصلی

Aisha Abd al – Rahman

(= Bint al – shati), Maqal fi L – insane.

مقال فی الانسان از عایشه عبدالرحمن (بنت الشاطی).

Al – Tafsir al – bayani lil – Quran

al – Karim, ۲ vols, cairo ۱۹۶۲.

التفسیر البیانی للقرآن الکریم دو جلد، چاپ ۱۹۶۲ در قاهره.

Muhammad Abduh, Tafsir al – Fatiha, cairo ۱۹۰۱.

تفسیر الفاتحه از محمد عبده چاپ ۱۹۰۱ در قاهره.

Muhammad Abu zayd, al – Hidayah Wa – ۱ – irfan fi tafsir al – Quran bi – ۱ – Quran, Cairo ۱۹۳۰.

الهدایة و العرفان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قاهره ۱۹۳۰، از محمد ابوزید.

Nasr Hamid Abu zayd, Mafhum al – nass. Dirasa fi ulum al – Quran, Bcirut ۱۹۹۰.

## منابع ناقد

۱۰. شاطبی، ابواسحاق، *الموافقات فی اصول شریعة*، مکتبه التجاریة الكبرى، قاهره، [بی تا].

۱۱. شلتوت، محمود، *الاسلام عقیده و شریعة*، دارالقلم، قاهره، [بی تا].

۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان*، مؤسسة الأعلمی - بیروت، ۱۳۹۳ ق.

۱۳. علوی مهر، حسین، *روشها و گرایشهای تفسیری*، انتشارات اسوه، چ اول، ۱۳۸۱ ش.

۱۴. غزالی، ابوحامد، *احیاء العلوم*، عالم الکتب، دمشق، [بی تا].

۱۵. معرفت، محمدهادی، *التمهید فی علوم القرآن*، الجامعة الرضویة فی العلوم الاسلامیه، طبع اول، ۱۴۱۹ ق / ۱۳۷۷ ش.

۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، *پیام قرآن*، انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب، چ ۵، ۱۳۷۴ ش.

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر به رأی و حرج و مرج ادبی*، موسسه مطبوعاتی هدف، قم، [بی تا].

۱۸. Margot Badran, *Feminism and the Quran Encyclopadia of the Quran V: ۲, P. ۱۹۹.*

۱. بستانی، محمود، *المنهج البنایی فی التفسیر*، دارالهادی، بیروت، ط اول، ۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۱ م.

۲. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۱ ش، چاپ اول.

۳. حداد عادل، غلامعلی، *دانشنامه جهان اسلام*، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.

۴. ذهبی، محمدحسین، *التفسیر و المفسرون*، دارالکتب الحدیثه، قاهره، ۱۳۸۱ ق.

۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، رشت، انتشارات مبین، ۱۳۸۱ ش.

۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن*، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ ش.

۷. زرکشی، بدرالدین، *البرهان فی علوم القرآن*، دارالمعرفة، بیروت، ۱۳۹۱ ق.

۸. سبحانی، جعفر، *مفاهیم القرآن*، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.

۹. سیوطی، جلال الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، مکتبه فخرالدین، چ ۱، ۱۳۸۰ ش.



پروفیسر شمیم شاہد کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> اگر چه بسیاری از تفاسیر اهل سنت چنین صیغه‌ای دارند؛ اما تفاسیر جدید، از زمان نهضت‌های اسلامی در مصر، رویکرد جدید و حالتی متفاوت با گذشته دارد که به تفسیر *المثار*، از شیخ محمد عبده، *التحریر و التتویر* از ابن عاشور، *تفسیر المنیر* از وهبه زحلی و تفسیر محمد متولی شعراوی از اهل سنت، همچنین از شیعه می‌توان به *تفسیر المیزان* از علامه سید محمدحسین طباطبایی، *الکاشف* از محمدجواد مغنیه و *تفسیر نمونه* یا *الامثل* از مکارم شیرازی، *الفرقان* از محمد صادقی، *پرتوی از قرآن* از محمود طالقانی می‌توان اشاره کرد، این تفاسیر اگر چه از اندیشه‌ها و آرای گذشتگان به خوبی استفاده کرده‌اند، ولی از نظر رویکرد و شیوه، کاملاً با شیوه‌های سنتی متفاوت است، و مطالب جدید زیادی را در تفسیر مطرح کرده‌اند.

<sup>۲</sup> مؤلف مقاله، تحولات تفسیری ایران، عراق و لبنان را نادیده گرفته است، به ویژه که تحولات تفسیری در قرن بیستم میلادی (قرن ۱۴ و ۱۵ هجری قمری) در این سه کشور که حوزه فعالیت دانشمندان شیعه است، بسیار چشمگیر می‌باشد. این تحولات شامل مسائل اشراق سیاسی و حکومتی در تفاسیر، توجه به نیازهای اجتماعی، توجه به علوم تجربی، توجه به مکانب غیردینی و نقد آن، توجه به تفسیر موضوعی و ابعاد مختلف آن، و توجه به روش تفسیر قرآن به قرآن است همانند: *تفسیر المیزان* از علامه طباطبایی، *تفسیر نمونه* از مکارم شیرازی، *تفسیر الفرقان* از صادقی

نهرانی، *تفسیر نوین* از محمدتقی شریعتی، *تقریب القرآن الی الازهان* از سید محمد حسینی شیرازی، *تفسیر روشن* از حسن مصطفوی، *تفسیر کوثر* از یعقوب جعفری، *من هدی القرآن* از سید محمدتقی مدرسی، *تسنیم* از عبدالله جوادی آملی، *تفسیر راهنما* از هاشمی رفسنجانی و *احسن الحدیث* از علی اکبر قرشی، *تفسیر کاشف* از سید محمد باقر حجتی و بی‌آزار شیرازی، *تفسیر القرآن الکریم* از سید مصطفی خمینی، *تفسیر نور* از محسن قرائتی، *تفسیر الاثری الجامع* از محمدهادی معرفت، *تفسیر قرآن مهر* از محمدعلی رضایی اصفهانی و... از کشور ایران و *تفسیر الجدید* از حبیب الله سبزواری، *مواعب الرحمن فی تفسیر القرآن* از سید عبدالاعلی سبزواری، *البیان* از سید ابوالقاسم خوبی، *التفسیر البانی للقرآن الکریم* از محمود بستانی از دانشمندان عراق و *تفسیر الکاشف* از محمدجواد مغنیه و *من وحی القرآن* از سید محمدحسین فضل الله از لبنان. (ناقد)

<sup>۳</sup> این دو مساله در تفاسیر جدید به طور کامل مشهود است و از زمان نهضت‌های اسلامی این دو ویژگی جلوه بسیاری دارد رویکرد علمی چه به نحو افراطی در تفاسیری مانند *الجواهر فی تفسیر القرآن* از طنطاری و *تفسیر القرآن هو الهدی و الفرقان* از سرسید احمد خان هندی و چه به صورت اعتدال و میانه مانند *تفسیر المیزان* از علامه طباطبایی و نیز رویکرد اجتماعی و سیاسی مانند *تفسیر المثار* از محمد عبده و *الکاشف* از محمدجواد مغنیه مشاهده می‌شود.

۴. اساساً تفسیر به دو شیوه ترتیبی و موضوعی نگاشته می‌شود که تفسیر ترتیبی خود به دو گونه است، شیوه ترتیب مطابق ترتیب مصحف و قرآن موجود که از سوره فاتحه آغاز تا سوره ناس پایان می‌یابد که در ادامه و در بخش بررسی پایانی مقاله نمونه‌هایی از آنها ذکر خواهد شد.

۵. تفسیر بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول از عبدالقادر ملاحویش آل غازی (حنفی اشعری) در شش مجلد و تفسیر پا به پای وحی به زبان فارسی اثر مهدی بازرگان و جدیدترین تفسیر معارج التفكير و دقائق التدبیر اثر عبدالرحمن حسن حبّنه العیدانی (ط ۱۴۲۰ بیروت)، که از سوره علق آغاز شده است در پانزده جلد (ناتمام تا قسمتی از سوره بقره) از جمله تفاسیر به ترتیب نزول است. پس تفسیر محمد عزه دروزه یک استثناء نیست.

۶. درباره تفسیر موضوعی در آخر مقاله بحث خواهد شد.

۷. مؤلف مقاله گویا تنها یک کتاب درباره اصول تفسیر دیده است؛ اما تحقیقات در این موضوع بسیار گسترده است.

آثاری فراوانی در این عصر به بیان اصول و قواعد تفسیر می‌پردازد. در این تألیفات، بدون اینکه به تفسیر یا مفسر و یا روش تفسیری خاصی توجه شود، مبانی و اصول تفسیر صحیح قرآن بیان می‌شود و همچنین شرایط و پیش نیازهای تفسیر و مفسر مطرح می‌گردد. این‌گونه پژوهش‌ها با علم اصول تفسیر یا قواعد تفسیر مرتبط است.

علم اصول تفسیر عبارت است از مبانی و قواعدی که علم تفسیر بر آنها بنا می‌گردد و نسبت آن با علم تفسیر همانند نسبت اصول فقه با فقه و نحو با زبان عربی است (اصول التفسیر؛ سبت، ص ۳۳). مهم‌ترین تألیفات در این زمینه کتاب‌هایی هستند که به طور مستقل و به همین منظور نوشته شده‌اند و عموماً در نام آنها یکی از دو عبارت «اصول تفسیر» یا «ضوابط» و یا «قواعد تفسیر» آمده است. آغاز این موضوعات را می‌توان در مقدمات تفاسیر شیعه و سنی یافت. شاید نخستین مجموعه با این عنوان اصول التفسیر از راغب اصفهانی (م ۵۰۲) که آن را مقدمه‌ای برای تفسیر ناتمام خود جامع التفاسیر قرار داده است. پس از مجموعه راغب اصفهانی به طور مستقل کتاب مقدمه فی اصول التفسیر اثر ابن تیمیه است.

التیسیر فی قواعد علم التفسیر (دمشق ۱۴۱۰ / ۱۹۹۰) اثر محمد بن سلیمان کافجی (متوفی ۸۷۹) از دیگر آثاری است که مباحث آن بیشتر مرتبط با علوم قرآن است (سبت، ص ۴۴). پس از آن، تألیف شاه ولی الله دهلوی (متوفی ۱۱۷۶) با نام الفوز الکبیر فی اصول التفسیر (بیروت و دمشق ۱۴۰۹ / ۱۹۸۹) شایان ذکر است. هدف مؤلف از نگارش کتاب این بوده که نکاتی را که با آن فتح باب الاهی از قرآن دریافته است، در قالب قواعدی در اختیار کسانی قرار دهد که وقت بسیاری را صرف مطالعه تفاسیر موجود می‌کنند (شاه ولی الله دهلوی، ص ۲). وی به این منظور پنج علم موجود در قرآن را معرفی کرده که با دانستن آنها می‌توان آیات قرآن را بهتر درک کرد. در توشیح التفسیر فی قواعد التفسیر و التأویل

(قم ۱۴۱۱) اثر عالم شیعی، محمد بن سلیمان ننگابنی (متوفی ۱۳۰۲)، نیز پس از ذکر چند مقدمه و اصل، قواعدی مطرح شده که مفسر در هنگام تفسیر آیات قرآن ناگزیر از مراعات و توجه به آنهاست. *القواعد الحسان لتفسیر القرآن* (ریاض ۱۴۱۳ / ۱۹۹۳)، تألیف عبدالرحمان بن ناصر سعدی (زنده در ۱۳۶۵)، شامل هفتاد قاعده در تفسیر قرآن کریم است و در آن، پس از ذکر هر قاعده و شرح و توضیح آن، مثال‌های متعددی از آیات ذکر شده است. برخی آثار مؤلفان معاصر نیز بدین قرار است: *اصول التفسیر و قواعد* (بیروت ۱۴۰۶ / ۱۹۸۶) اثر خالد عبدالرحمان عک؛ *بحوث فی اصول التفسیر* (بیروت ۱۴۰۸ / ۱۹۸۸) اثر محمد بن لطفی صباغ؛ *بحوث فی اصول التفسیر و مناهجه* (ریاض ۱۴۱۹) اثر فهد بن عبدالرحمان بن سلیمان رومی؛ *فصول فی اصول التفسیر* (ریاض ۱۴۱۳) اثر مساعد بن سلیمان طیار؛ *قواعد التفسیر جمعاً و دراسته* (مصر ۱۴۲۱) اثر خالد بن عثمان سبت؛ *روش‌شناسی تفسیر قرآن* (تهران ۱۳۷۹) اثر علی اکبر بابایی و دیگران *قواعد التفسیر عند القریقین*، محمد فاکر مبدی، *منطق تفسیر قرآن* (۱)، مبنایی و قواعد تفسیر، محمدعلی رضایی اصفهانی (برای آگاهی از کتابهای دیگر در این موضوع رک: *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*). در عصر حاضر نیز می‌توان به مقدمات تفسیری همچون جمال الدین قاسمی، *محاسن التأویل* اشاره نمود که در مقدمه خود یازده قاعده تفسیری را به همراه کلیاتی در مورد تفسیر با عنوان *تمهید خطیر فی قواعد التفسیر* نگاشته است، *محاسن التأویل*، ج ۱،

ص ۷-۳۴۹؛ ابن عاشور؛ *التحریر والتتویر*، ج ۱، ص ۱۰ - ۱۳۰، نیز در قالب ده مقدمه طولانی، اصول و مبانی تفسیری خود را تبیین نموده است. محمدهادی معرفت از معاصرین نیز شاید طولانی‌ترین مقدمه را در جلد اول *التفسیر الاثری الجامع* به این مباحث اختصاص داده است. در کتب علوم قرآن نیز می‌توان برخی بحث‌های مرتبط با اصول و قواعد تفسیر را یافت؛ از جمله کتاب *البیان فی تفسیر القرآن* از سید ابوالقاسم خوبی که بخشی از آن به اصول تفسیر پرداخته است. و محمد فاضل لنگرانی در کتاب *مدخل التفسیر* اصول تفسیر را بحث کرده است.

برای دسترسی به برخی مطالب فوق رک: *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۸، «تفسیر» (ناقد)<sup>۸</sup>. این بحث مربوط به رویکرد تعقلی نیست، بلکه مربوط به رویکرد علمی در تفاسیر قرآن است که مؤلف مقاله به طرز مستقل بدان پرداخته است؛ بنابراین آنچه از مؤلف انتظار می‌رفت، تکیه بیشتر روی مباحث عقلانی قرآن و اختلافاتی است که در مباحث کلامی میان مذاهب اسلامی ممکن است وجود داشته باشد که از آن جمله می‌توان به مسئله جبر و اختیار، حسن و قبح عقلی، اثبات عقلانی و برهانی توحید، امکان عقلانی وحی و برخی مسائل ماورای طبیعت اشاره کرد، در تفاسیر جدید با پدید آمدن مکاتب مادی و غیرالهی مانند سوسیالیسم، مارکسیسم و... که در صدد نفی خالق با شعور برای جهان هستی بودند، بدین مطالب بیشتر پرداخته شد. و تفاسیری مانند *المیزان* از محمدحسین طباطبایی، *المعارف* از شیخ محمد عبده، *المثیر* از وهبه زحیلی،

الکاشف از محمد جواد مغنیه، پرتوی از قرآن از سید محمود طالقانی و تفسیر تسنیم از عبدالله جوادی آملی بوجود آمد. (ناقد)

این یک دیدگاه افراطی درباره تفسیر علمی است که افرادی همچون ابوحامد غزالی (م ۵۰۵ هـ. ق) در کتاب *احیاء العلوم* (ج ۱، ۲۶۰)، زرکشی (م ۷۶۴ هـ. ق) در کتاب *البرهان فی علوم القرآن* (ج ۲، ۱۸۱)، ابوالفضل مرسی (م ۶۵۵ هـ. ق)، جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ هـ. ق) در کتاب *الاتقان فی علوم القرآن* (ج ۲، ۳۹۶)، سید احمد خان هندی (م ۱۸۹۸ م) مؤلف *تفسیر القرآن هر الهدی والفرقان* و عبدالمنعم جمالی در *التفسیر الفرید* چاپ شده ۱۳۹۰ هـ. ق، و افرادی نیز که مؤلف مقاله فوق مانند اسکندران، طنطاوی، احمد حنفی، عبدالرزاق نوفل معرفی می‌کند، از طرفداران این دیدگاه هستند و حتی برخی بر این باورند که تمام علوم در قرآن وجود دارد. اما در کنار آن، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد و آن دیدگاه اعتدالی است؛ بدین معنا که قرآن اگرچه کتاب هدایت و تربیت انسان است، ولی منافات ندارد که برخی نکته‌ها و اشارات علمی را مطرح کرده و اشاراتی به مسائل مختلف علوم داشته باشد که مهم‌ترین طرفداران این دیدگاه عبارت‌اند از: سید قطب (م ۱۹۳۳ م) مؤلف *فی ظلال القرآن*، شیخ محمد عبده (م ۱۳۲۳ هـ. ق) مؤلف *المنار*، محمد مصطفی مراغی (۱۹۸۱ م)، مؤلف *تفسیر المراغی*؛ محمدهادی معرفت (۱۳۸۵ ش) مؤلف *التمهید فی علوم القرآن*، محمود طالقانی (۱۳۵۹ ش) مؤلف *تفسیر پرتوی از قرآن*، مکارم شیرازی در *تفسیر نمونه*، محمد صادقی نویسنده *تفسیر*

*الفرقان* و نیز محمدعلی رضایی اصفهانی در *پژوهشی در اصحاح علمی قرآن*؛ این در حالی است که عده‌ای نیز به طور کلی مخالف و منکر تفسیر علمی هستند؛ آنها می‌گویند: قرآن کریم تنها کتاب هدایت است و ارتباطی به علوم تجربی ندارد (که مؤلف مقاله فوق در آخر این بحث به دلایل آن اشاره نموده است). مهم‌ترین طرفداران این نظریه عبارت‌اند از: ابوالحسن شاطبی (م ۷۹۰ هـ. ق)، مؤلف کتاب *المواقفات* (برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک: عمر ابوحنجر، *التفسیر العلمی فی المیزان*، محمدعلی رضائی اصفهانی، *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن*، ناصر رفیعی محمدی، *تفسیر علمی*).

۱۰. در تفسیر علمی سه رویکرد اساسی وجود داشته است: اول استخراج همه علوم از قرآن، دوم تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن، و سوم استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن، که رویکرد اول و دوم صحیح نیست و منتهی به تفسیر به رأی می‌شود و رویکرد سوم صحیح و معتبر و مورد توجه بسیاری از مفسران معاصر مثل سید قطب در *فی ظلال*، مکارم شیرازی در *نمونه* و ... بوده است. (ر.ک: *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن*، محمدعلی رضائی اصفهانی).  
۱۱. این دلایل از جانب منکران تفسیر علمی مطرح شده است که بوخی موارد آن را شاطبی در *المواقفات* ج ۲ / ص ۸۰ و بیشتر آن را ذهبی در *التفسیر و المفسرون*، ج ۲ / ص ۳۵۸ به بعد آورده است. (ناقد)

۱۲. شیوه ادبی که امین خولی مطرح کرده است با شیوه ادبی سنتی مثل *تفسیر کشاف*، زمخشری و *جوامع الجامع*، طبرسی، که تکیه بر صرف و



<sup>۱۰</sup> . مطلب فوق اگر با توجه به قاعده الغاء خصوصیت و ضوابط تفسیر صحیح باشد معتبر است و برخی مفسران معاصر مثل علامه محمدهادی معرفت نیز بر این مطلب تاکید دارند. (ر.ک: *التفسیر الاثر الجامع*، ج ۱، مقدمه) البته دقت در این مطلب لازم است که قوانین کلی قرآن مثل قوانین ارث، حدود و ... برای همه زمان‌هاست و تعدی از آنها جایز نیست.

<sup>۱۱</sup> . تسنیم، آیت الله جوادی آملی، ج ۱ / ۱۶۹ - ۱۷۰.

<sup>۱۲</sup> . فتح / ۱۰.

<sup>۱۳</sup> . مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر به رأی*، ص ۳۸.

<sup>۱۴</sup> . بقره / ۱۸۵.

<sup>۱۵</sup> . اسراء / ۹.

<sup>۱۶</sup> . علوی‌مهر، حسین، *روش‌ها و گرایش‌های*

*تفسیری*، ص ۳۴۳.

<sup>۱۷</sup> . بستانی، محمود، *المنهج البنائی فی التفسیر*،

ص ۱۳.

نحو و معانی و بیان می‌باشد متفاوت است، امین خولی روش خاصی را در تفسیر مطرح کرده است که مهمترین ویژگیهای آن عبارتند از: استفراغ لفظی قرآن، جستجوی موضوعی، ترتیب زمان نزول، بررسی مفردات قرآن، بررسی ترکیبات قرآن (به کمک علوم ادب)، بررسی سیاق (ر.ک: امین الخولی، *التفسیر معالم حیاتة و منهجه الیوم*، ص ۴۴). (ناقد)

<sup>۱۳</sup> . این مطلب تحت عنوان قرآن و فرهنگ زمانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. و به صورت کلی می‌توان گفت قرآن در برابر فرهنگ زمانه دو واکنش داشته است: اول: نفی خرافات و مسائل منفی فرهنگ زمانه مثل دخترکشی، ظهار و ... و دوم: نقل و تایید عناصر مثبت در فرهنگ زمانه مثل مهمان‌نوازی و حج و ... که ریشه در فطرت، عقل و ادیان الهی پیشین داشته است. بنابراین مطالعه در این موارد در فهم و تفسیر مفید است. اما این بدان معنا نیست که قرآن تابع و تحت تاثیر فرهنگ زمانه عرب جاهلی نازل شده باشد.

<sup>۱۴</sup> . همانطور که گذشت قرآن تحت تاثیر فرهنگ زمانه و مسائل تاریخی قرار نگرفته است. اما مطالعه اسباب النزول و شرایط تاریخی و جغرافیایی که آیات قرآن ناظر به آنها فرود آمده است، برای فهم و تفسیر قرآن مفید است. و این به معنای وابستگی متن به تاریخ نیست. به عبارت دیگر درک محیط تاریخی مکه و مدینه و جنگ و صلح و عادات عرب برای فهم بهتر آیات مفید است اما اسباب النزول و این نکات تاریخی موجب انحصار معنای آیات در آن موارد نمی‌شود؛ و قرآن کتابی فرازمانی و فرامکانی است.



پروفیسر شمیم شاہد کاہنہ کی زیر نگرانی

پرتال جامع علوم انسانی